

نگاهی به حدیث «النظر الی وجه علی علیه السلام عبادة»

از جهت سند و دلالت

علی قربانی امیرآبادی

مرکز حقایق اسلامی

اللَّهُ أَكْرَمُ

چکیده

امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام مهم ترین رکن دین الهی است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای بیان امامت الهی آن حضرت از اسلوب های مختلفی بهره مند شده است. از جمله ی آن روش ها، استفاده از بیان تمثیلی و تشبیهی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: امیرمؤمنان علی علیه السلام به منزله ی کعبه است و نگاه به صورت ایشان عبادت است. این مقاله تلاش نموده تا حدیث «النظر الی وجه علی عبادة» را از جهت سند و دلالت مورد بررسی قرار دهد، اما در بخش اول تواتر آن را ثابت می کند و در بخش دوم با معنانشناسی و بیان روایات مشابه، توهم استغراب معنای آن را دفع می نماید و دلالت این حدیث بر امامت بلافصل امیرمؤمنان علی علیه السلام را ثابت می نماید. در تألیف این مقاله از منابع کتابخانه ای استفاده شده و سعی شده تا مطالب آن از منابع معتبر عامه باشد، تا حجت را بر پیروان مکتب سقیفه نیز تمام نماید و از طرف دیگر موجب جلای قلوب بیش از پیش شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام گردد. ان شاء الله

واژگان کلیدی: امیر المؤمنین علیه السلام، امامت، ولایت، حدیث النظر، عبادت

مقدمه

روایت های متواتری در منابع شیعه و اهل تسنن وجود دارد به این مضمون که «نگاه به صورت امیرمؤمنان علی علیه السلام عبادت است.» اما با توجه به یقینی بودن حدیث متواتر در نزد تمام عقلائی عالم، برخی ها از نواصب در اصل صدور این روایت تشکیک نموده اند و برخی دیگر در مورد علت مضمون و دلالت آن تردید نموده اند. پس در اینجا دو بحث مطرح است:

۱. صحت صدور و اعتبار این گزاره ی روایی چه اندازه است؟ که در آن بحث، اثبات خواهیم نمود که روایت «النظر الی وجه علی علیه السلام عبادة». هجده طریق دارد که به حد تواتر رسیده است.
۲. علت عبادت بودن نگاه به صورت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چیست؟ و اینکه آیا چنین مطلبی می توان از جهت مفهوم و معنا صحیح باشد یا خیر؟ که در بحث دوم از دلالت این حدیث گفتگو می کنیم و شبهات مطرح شده در مورد متن حدیث را پاسخ می گوئیم.

بخش اول: بحث سند

حدیث شریف «نگاه به صورت حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام عبادت است» یکی از فضائل بی نظیر مولا الموحدین امیر المؤمنین علیه السلام است. این روایت با ارزش علاوه بر اینکه در بسیاری از مجامع حدیثی شیعه وجود دارد، در کتاب های فراوان اهل سنت نیز آمده است. اما با این وجود، کینه هایی که در دل برخی از نواصب وجود دارد باعث شده تا در اصل صدور این روایت نیز راه انکار را در پیش بگیرند.

ابن تیمیه ناصبی لعنة الله علیه احادیث حاوی این مضمون را کاذبه و غیر صحیح می داند.

ثُمَّ قَالَ: النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عِبَادَةٌ... فِي هَذَا الْبَابِ فِيهِ مِنَ الْأَحَادِيثِ الْمَكْذُوبَةِ مَا لَا يَخْفَى كَذِبُهُ عَلَى مَنْ لَهُ أَدْنَى مَعْرِفَةٍ بِالْحَدِيثِ... وَهَذِهِ الْأَحَادِيثُ مِمَّا يَعْلَمُ أَهْلُ الْمَعْرِفَةِ بِالْحَدِيثِ أَنَّهَا مِنَ الْمَكْذُوبَاتِ... أَجْمَعُوا عَلَى أَنَّهُ كَذِبٌ مَوْضُوعٌ، وَلَمْ يَرَوْا فِي شَيْءٍ مِنْ كُتُبِ الْحَدِيثِ الْمُعْتَمَدَةِ، وَلَا صَحَّحَهُ أَحَدٌ مِنْ أَيْمَّةِ الْحَدِيثِ.^۱

شمس الدین ذهبی ناصبی بارها با این حدیث شریف متواتر دشمنی کرده و به آن نسبت وضع و کذب داده است (ذهبی نسبت به فضائل مولا بسیار در عداوت شدید است و مبنای او اکثرا بر ردّ و انکار احادیث فضائل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است) به آدرس چند مورد از انکارهای او در این مورد این حدیث اشاره می کنیم:

۱. النظر إلى وجه على عبادة. وهذا باطل في نقدي.^۱
۲. النظر إلى على عبادة، ولا يقبل الله إيمان عبد إلا بولايته والبراءة من أعدائه. هذا من أفتع ما وضع.^۲
۳. حدیث را جعلی معرفی می کند.^۳
۴. النظر إلى وجه على عبادة. موضوع.^۴
۵. النظر إلى وجه على عبادة. وهذا باطل.^۵

۱. منهاج السنة النبوية لابن تیمیه ج ۵ ص ۴۲

۲. میزان الاعتدال ج ۳ ص ۲۳۶

۳. همان ص ۴۶۷

۴. همان ص ۴۸۵

۵. همان ج ۴ ص ۱۲۴

۶. همان ص ۲۸۳

۶. النظر الى وجه علي عبادة قلت: لعله من وضع هارون.^۶

۷. همچنين ذهبی در كتاب تاريخ الاسلام اين حديث را از مناكير هارون بن حاتم می شمارد.^۷

البته اين روش و سیره ی قدما و متأخرين و حتی معاصرین از نواصب است که آن را از خلفای خود آموزش گرفته اند. برای اطلاع بیشتر به مقدمه كتاب دلائل الصدق مرحوم مظفر مراجعه نمایید. به حول و قوه ی الهی و مدد امیر مؤمنان علی علیه السلام قطعی بودن صدور این حدیث شریف را از منابع اهل سنت مطرح خواهیم نمود تا نواصب رسوا شوند و اهل شک نیز از شک، رهایی یابند و بر اهل یقین آرامش قلبی حاصل شود.

روایات این حدیث از صحابه

۱. امیر المؤمنین علیه السلام^۸

۲. امام حسین علیه السلام^۹

۳. ابوبکر^{۱۰}

۴. عایشه^{۱۱}

۵. عمر^{۱۲}

۶. عثمان^{۱۳}

۷. عبدالله بن مسعود^{۱۴}

۷. همان ص ۴۰۱

۸. تاریخ الاسلام ج ۵ ص ۱۲۶۸

۹. فرائد السمطين، جوینی شافعی ج ۱ ص ۱۹

۱۰. همان

۱۱. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۵۰ / البدایه والنهایه، ابن کثیر ج ۷ ص ۳۹۴

۱۲. تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۳۵۰ / البدایه والنهایه ج ۷ ص ۳۹۴ / حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، أبو نعیم الأصبهانی ج ۲ ص ۱۸۲

۱۳. البدایه والنهایه، ابن کثیر ج ۷ ص ۳۹۴

۱۴. البدایه والنهایه، ابن کثیر ج ۷ ص ۳۹۴ / تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۵۰

۱۵. البدایه والنهایه، ابن کثیر ج ۷ ص ۳۹۴ / المعجم الکبیر، الطبرانی ج ۱۰ ص ۷۶ / المستدرک علی الصحیحین، الحاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۵۲

۸. معاذ بن جبل^{۱۱}
۹. عمران بن حصین^{۱۲}
۱۰. انس بن مالک^{۱۳}
۱۱. ثوبان مولى رسول الله صلى الله عليه وآله^{۱۴}
۱۲. ابوذر^{۱۵}
۱۳. جابر بن عبدالله انصارى^{۱۶}
۱۴. واثله بن الاسقع^{۱۷}
۱۵. ابن عباس^{۱۸}
۱۶. ابوسعید الخدری^{۱۹}
۱۷. معاذ غفاریه^{۲۰}
۱۸. عمرو بن العاص^{۲۱}
۱۹. معاذ بن جبل^{۲۲}

و بسیاری از تابعین و تابعینِ تابعین و صدها راوی این حدیث شریف را روایت نموده اند و به راحتی می توان با جستجو در مآخذ و منابع مذکور، به اسامی آنها دست یافت.

-
۱۶. البدايه والنهايه، ابن كثير ج ۷ ص ۳۹۴
 ۱۷. البدايه والنهايه، ابن كثير ج ۷ ص ۳۹۴ / المستدرک على الصحيحين، الحاكم نيشابورى ج ۳ ص ۱۵۲
 ۱۸. البدايه والنهايه، ابن كثير ج ۷ ص ۳۹۴ / تاريخ مدينة دمشق، ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۵۵
 ۱۹. البدايه والنهايه، ابن كثير ج ۷ ص ۳۹۴ / تاريخ مدينة دمشق، ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۵۵
 ۲۰. البدايه والنهايه، ابن كثير ج ۷ ص ۳۹۴ / تاريخ مدينة دمشق، ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۵۶
 ۲۱. البدايه والنهايه، ابن كثير ج ۷ ص ۳۹۴ / تاريخ مدينة دمشق، ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۵۵
 ۲۲. مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، ابن المغازلي ج ۱ ص ۱۹۸
 ۲۳. الموضوعات، ابن الجوزي ج ۱ ص ۳۵۹
 ۲۴. فرائد السمطين، جوینی شافعی ج ۱ ص ۱۸۱
 ۲۵. اسد الغابه، ابن الأثير ج ۷ ص ۲۵۸
 ۲۶. ذخائر العقبی، محب الدين الطبري ج ۱ ص ۹۵
 ۲۷. تاريخ بغداد، الخطيب البغدادي ج ۲ ص ۴۹

بعد از یادآوری اسامی راویان این حدیث که همگی از صحابه بودند، طرق این حدیث شریف را ذکر می‌کنیم و بیان می‌داریم که این روایت متواتره است و هیچ جای شک و شبهه در اسناد آن نیست و افاده قطع به معنای اعم می‌کند و موجب تحصیل اطمینان و آرامش خاطر در وثوق به این خبر است.

متن و اسناد روایات

حدیث اول: امیرالمؤمنین علیه السلام

عن جعفر بن محمد عن أبيه عن علي بن الحسين عن أبيه عن أمير المؤمنين عليه السلام و عليهم، قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: إن الله تعالى جعل لأخي عليّ فضائل لا تحصى كثرة، فمن ذكر فضيلة من فضائله مقرا بها غفر الله له ما تقدم من ذنبه، و من كتب فضيلة من فضائله (مقرا بها غفر الله له ما تقدم من ذنبه) و لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقي لذلك المكتوب رسم، و من استمع إلى فضيلة من فضائله غفر الله له ذنوبه التي اكتسبها بالاستماع، و من نظر إلى كتاب من فضائله غفر الله ذنوبه التي اكتسبها بالنظر. ثم قال: صلى الله عليه و آله: النظر إلى علي عبادته، و ذكره عبادته، و لا يقبل الله إيمان عبد إلا بولايته و البراءة من أعدائه.^{۲۸}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

همانا خداوند تعالی برای برادرم علی علیه السلام فضائل بیشماری قرار داده است، پس هر کس یکی از آن فضیلت‌ها را در حالی که به آن اعتقاد دارد، ذکر کند، خداوند گناهان گذشته او را بیامرزد و هر کس یکی از فضائل آن حضرت را بنویسد در حالی که معتقد به آن است خداوند گناهان گذشته او را می‌بخشد و پیوسته ملائکه بر او طلب مغفرت می‌کنند تا زمانی که آن نوشته باقی باشد و هر کس یکی از فضائل امیرمؤمنان علی علیه السلام را گوش دهد خداوند گناهانی را که به سبب گوش انجام داده است را می‌بخشد و هر کس به یکی از فضائل ایشان نگاه کند خداوند گناهانی را که به واسطه چشم انجام داده است را می‌بخشد. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: نگاه به سوی علی علیه السلام عبادت است و یاد او عبادت است و خداوند ایمان هیچ بنده‌ای را قبول نمی‌کند مگر به واسطه قبول ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام و براءت نمودن از دشمنان ایشان.

حدیث دوم: ابوبکر

عائشة قالت رأيت أبا بكر الصديق يكثر النظر إلى وجه علي بن أبي طالب فقلت يا أبة إنك لتكثر النظر إلى علي بن أبي طالب فقال لي يا بنية سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول النظر إلى وجه علي عبادة.^{٢٩}

عائشه می گوید: پدرم ابوبکر را دیدم که بسیار به صورت علی بن ابیطالب علیهما السلام نگاه می نمود، گفتم: ای پدر چرا به صورت علی بن ابیطالب علیهما السلام زیاد نگاه می کنی؟ پاسخ داد: ای دخترم! همانا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمودند: نگاه به صورت علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است.

حدیث سوم: عمر

حدیث آخر روي من حديث أبي بكر الصديق وعمر وعثمان بن عفان وعبد الله بن مسعود ومعاذ بن جبل وعمران بن حصين وأنس وتوبان وعائشة وأبي ذر وجابر أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: النظر إلى وجه علي عبادة.^{٣٠}

حدیث دیگری از ابوبکر و عمر و عثمان و عبدالله ابن مسعود و معاذ بن جبل و عمران بن حصین و انس و ثوبان و عائشه و ابوذر و جابر بن عبدالله انصاری روایت شده از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که حضرت فرمودند: نگاه به صورت علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است.

حدیث چهارم: عثمان

وقد روي عن عثمان بن عفان أخبرنا أبو الحسن علي بن أحمد بن الحسن أنا محمد بن أحمد بن محمد ابنوسني أنا أبو نصر محمد بن أحمد بن محمد بن موسى بن جعفر الملاحمي البخاري نا محمد بن الحسين بن بن علي الجرجاني نا محمد بن أبي سعيد الحافظ أنا أبو العباس أحمد بن هاشم الطريقي حدثني جعفر بن الحسن بن عمر الزيات الكوفي نا محمد بن غسان الأنصاري عن يونس مولى الرشيد قال كنت واقفا على رأس المأمون وعنده يحيى بن أكثم القاضي فذكروا عليا وفضله فقال المأمون سمعت الرشيد يقول سمعت المهدي يقول سمعت المنصور يقول سمعت أبي يقول

٢٩ . تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر ج٢ ص ٣٥٠

٣٠ . البدايه والنهائيه، ابن كثير ج٧ ص ٣٩٤

سمعت جدي يقول سمعت ابن عباس يقول رجع عثمان إلى علي فسأله المصير إليه فصار إليه فجعل يحد النظر إليه فقال له علي مالك يا عثمان مالك تحد النظر إلي قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول النظر إلى علي

عبادة. ٣١

يونس غلام هارون الرشيد گوید: بالای سر مامون عباسی ایستاده بودم و در نزد او یحیی بن اکثم قاضی حضور داشت پس بحث فضائل علی بن ابیطالب علیه السلام پیش آمد. مامون عباسی گفت: از هارون الرشید شنیدم که می گفت: از مهدی عباسی شنیدم که می گفت: از منصور شنیدم که می گفت: از پدرم شنیدم که می گفت: از جدم شنیده ام که او می گفت: از ابن عباس شنیدم که می گفت: عثمان به طرف علی بن ابی طالب علیه السلام برگشت و از او خواست که پیشش برود؛ پس ایشان پیش عثمان رفت؛ عثمان چشم از او بر نمی داشت، امیر علی علیه السلام به او گفت: تو را چه شده ای عثمان! نگاهت را از من بر نمی داری و همواره به سوی من خیره شده ای؟! عثمان گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمودند: نگاه به علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است.

حدیث پنجم: عایشه

حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرِ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُرَوَّانِيُّ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ: ثنا الْحَسَنُ بْنُ مُوسَى السَّمْسَارِيُّ، قَالَ: ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ ك الْقَزْوِينِيُّ، قَالَ: ثنا عَبَّادُ بْنُ صُهَيْبٍ، قَالَ: ثنا هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ: النَّظَرُ إِلَى عَلِيٍّ عِبَادَةٌ. ٣٢

عایشه گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: نگاه به علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است.

حدیث ششم: ابوذر

عن أبي ذر قال قال رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم مثل علي فيكم أو قال في هذه الأمة كمثل الكعبة المستورة

النظر إليها عبادة. ٣٣

٣١ . تاريخ مدينة دمشق، ابن عساکر ج ٤٢ ص ٣٥٠

٣٢ . حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، أبو نعیم الأصبهانی ج ٢ ص ١٨٢

٣٣ . تاريخ مدينة دمشق، ابن عساکر ج ٤٢ ص ٣٥٦

حديث نهم: انس بن مالك

وروي عن أنس بن مالك أخبرناه أبو القاسم بن السمرقندي أنا أبو القاسم بن مسعدة نا حمزة نا يوسف نا أبو أحمد بن عدي نا حاجب بن مالك نا علي بن المثنى حدثني عبيد الله بن موسى حدثني مطر بن أبي مطر عن أنس بن مالك قال قال النبي صلى الله عليه [و آله] وسلم النظر إلى وجه علي عبادة.^{٣٦}

انس بن مالك خادم رسول الله صلى الله عليه و آله گوید: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: نگاه به صورت علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است.

حديث دهم: ابن عباس

وأما حديث ابن عباس: أَنبَانَا مُحَمَّدُ بْنُ نَاصِرِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ أَنبَانَا عَلِيُّ بْنُ الْمُحَسِّنِ التَّنُوخِي قَالَ أَنبَانَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ جَعْفَرِ الزَّيْنَبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سُفْيَانَ الْحَنَائِي قَالَ حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ يَعْقُوبَ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيُّ عَنْ الْحَمَّادِ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنْ أَبِي زَيْدٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [و آله] وَسَلَّمَ قَالَ: النَّظَرُ إِلَى عَلِيٍّ عِبَادَةٌ.^{٣٧}

عبدالله بن عباس گوید: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: نگاه به علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است.

حديث يازدهم: عبدالله بن مسعود

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ بُدَيْلِ الْيَامِي، ثنا يَحْيَى بْنُ عَيْسَى، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [و آله] وَسَلَّمَ قَالَ: النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ.^{٣٨}

عبدالله بن مسعود گوید: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: نگاه به صورت علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است.

٣٦ . تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر ج٤٢ ص ٣٥٥

٣٧ . الموضوعات، ابن الجوزي ج ١ ص ٣٥٩

٣٨ . المعجم الكبير، الطبراني ج ١٠ ص ٧٦

حدیث دوازدهم: جابر بن عبد الله الانصاری

وروي عن جابر بن عبد الله الأنصاري أخبرناه أبو عبد الله الفراوي وأبو القاسم الشحامی قالاً أنا أبو سعد الجنزرودي أنا أبو الفضل نصر بن محمد بن أحمد بن يعقوب الطوسي العطار أنا سليمان بن أبي صلابة نا أبو بكر بن إبراهيم نا مقدم بن رشيد نا ثوبان بن إبراهيم نا سالم الخواص عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم النظر إلى علي عبادة.^{٣٩}

جابر بن عبد الله انصاری گوید: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: نگاه به علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است.

حدیث سیزدهم: ابوسعید الخدری

أخبرني ابن عمي الشيخ الإمام نظام الدين محمد بن علي بن المؤيد الحموي و الشيخ الإمام أستاذي عماد الدين محمد بن أحمد الخطيب الجاجرمي، و نجم الدين محمد بن أبي بكر [ابن] بيراية - رحمهم الله - و الشيخ الإمام أبو عمرو ابن الموفق بقراءتي عليه، بروايتهم عن والدي شيخ الإسلام محمد بن المؤيد الحموي رضي الله عنه، بروايتهم عن الشيخ العارف المحقق صديق عهده أبي الجناب أحمد بن عمر بن محمد الصوفي قدس الله روحه، قال: أنبأنا محمد بن عمر بن علي الطوسي بقراءتي عليه بنيسابور، أنبأنا أبو العباس أحمد ابن أبي الفضل الشعاني أنبأنا أبو سعيد محمد بن طلحة الجنابذي أنبأنا أبو القاسم السراج إملاء، أنبأنا أبو علي حامد بن محمد الهروي أنبأنا محمد بن يونس القرشي حدثنا إبراهيم بن إسحاق الجعفي حدثنا عبد الله بن عبد ربه، حدثنا شعبة، عن قتادة، عن حميد بن عبد الرحمن، عن أبي سعيد قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: النظر إلى وجه علي بن أبي طالب عبادة.^{٤٠}

ابو سعيد گفت: از رسول خدا صلى الله عليه و آله شنیدم که فرمودند: نگاه کردن به چهره علی بن ابی طالب علیه السلام، عبادت است.

٣٩ . تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر ج ٢ ص ٣٥٥

٤٠ . فرائد السمطين، جوینی شافعی ج ١ ص ١٨١

حدیث چهاردهم: معاذه غفاریه

عن عمرة، قالت: قالت لي معاذة الغفارية: كنت أنيسا برسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أخرج معه في الأسفار، أقوم على المرض وأداوي الجرحى، فدخلت على رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ بيت عائشة وعلي رضي الله عنهما خارج من عنده، فسمعتة يقول: يا عائشة، إن هذا أحب الرجال إلي وأكرمهم علي، فاعرفي له حقه وأكرمي مثواه وذكر الحديث في النظر إلى علي عبادة.^{٤١}

از معاذة الغفارية نقل شده است که: من با رسول خدا صلی الله علیه و آله مأنوس بودم، در سفر او را همراهی می کردم تا بیماران و زخمی ها را مداوا کنم. پس زمانی که آن حضرت در خانه عائشه حضور داشت، بر او وارد شدم؛ در حالی که امیر مؤمنان علی علیه السلام از پیش او خارج می شد؛ پس شنیدم می فرمودند: ای عائشه! این مرد محبوب ترین و گرامی ترین شخص در نزد من است؛ پس حق او را بشناس و او را گرامی بدار. تا آن جای که این مطلب را نقل کرده: نگاه کردن به چهره علی بن ابی طالب علیه السلام، عبادت است.

حدیث پانزدهم: عمرو بن العاص

النظر إلى وجه علي عبادة أخرجه أبو الحسن الحرابي. وعن عمرو بن العاص مثله. أخرجه الابهري.^{٤٢}

حدیث شانزدهم: معاذ بن جبل

أبي هريرة قال رأيت معاذ بن جبل يديم النظر الى علي بن أبي طالب فقلت مالك تديم النظر إلى علي كأنك لم تره فقال سمعت رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم يقول النظر إلى وجه علي عبادة.^{٤٣}

از ابوهريره نقل شده است که گفت: دیدم که معاذ بن جبل به صورت طولانی به علی بن ابی طالب علیه السلام نگاه می کند، پس گفتم: تو را چه شده، چرا به علی طولانی نگاه می کنی؟! انگار که او را ندیده ای؟ پس گفتم: از

٤١ . اسد الغابه، ابن الأثير ج ٧ ص ٢٥٨

٤٢ . ذخائر العقبى، محب الدين الطبري ج ١ ص ٩٥

٤٣ . تاريخ بغداد، الخطيب البغدادي ج ٢ ص ٤٩

رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: نگاه کردن به چهره علی بن ابی طالب علیه السلام، عبادت است.

حدیث هفدهم: روایت اول حاکم نیشابوری

حَدَّثَنَا دَعْلَجُ بْنُ أَحْمَدَ السَّجَزِيُّ، ثنا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُعَاوِيَةَ، ثنا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ الْجَعْفِيُّ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ رَبِّهِ الْعِجْلِيُّ، ثنا شُعْبَةُ، عَنْ فَتَادَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ: النَّظَرُ إِلَى عَلِيٍّ عِبَادَةٌ. هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادُ.

عمران حصین گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: نگاه کردن به علی بن ابی طالب علیه السلام، عبادت است. حاکم نیشابوری بعد از نقل این حدیث، صحت سند را تأیید می کند.

حدیث هجدهم: روایت دوم حاکم نیشابوری

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْبَاقِي بْنُ قَانِعِ الْحَافِظُ، ثنا صَالِحُ بْنُ مُقَاتِلِ بْنِ صَالِحٍ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ بْنِ عُبَيْدَةَ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، ثنا يَحْيَى بْنُ عِيْسَى الرَّمْلِيُّ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ: النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ.

عبدالله گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: نگاه کردن به چهره علی بن ابی طالب علیه السلام، عبادت است.

حدیث نوزدهم: روایت سوم حاکم نیشابوری

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْقَارِي، ثنا الْمُسَيْبُ بْنُ زُهَيْرِ الضَّبِّي، ثنا عَاصِمُ بْنُ عَلِيٍّ، ثنا الْمُسْعُودِيُّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْثَةَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ: النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ.

٤٤ . المستدرک علی الصحیحین، الحاکم نیشابوری ج ٣ ص ١٥٢

٤٥ . همان

٤٦ . همان

عبدالله بن مسعود گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: نگاه کردن به چهره علی بن ابی طالب علیه السلام، عبادت است.

تصحیح سند

برخی از علمای اهل سنت علاوه بر نقل این حدیث ارزشمند، آن را از جهت سندی صحیح دانسته اند و ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می نمایم:

۱. حاکم نیشابوری بعد از نقل حدیث «النَّظَرُ إِلَى عَلِيٍّ عِبَادَةٌ» می نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادُ».

حدیث صحیح است.^{۴۷}

۲. جلال الدین سیوطی این روایت را متصف به وصف حسن (معتبر) می کند.

قال: النظر إلى علي عبادة. إسناده حسن.^{۴۸}

از جمله قواعد رجالی که در نزد عامه مورد قبول است این است که: روایت حسن مثل روایت صحیح قابل احتجاج است. «الحسن كالصحيح في الاحتياج به».^{۴۹}

۳. ابن حجر الهیتمی بعد از نقل روایت «النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ»؛ از قول ابوبکر، تصریح به اعتبار آن نموده

و می نویسد: «وَمَرَّ نَحْوَهُ هَذَا وَ أَنَّهُ حَدِيثٌ حَسَنٌ».^{۵۰}

این حدیث شریف در منابع اهل سنت هجده طریق دارد که همین مساله تواتر این حدیث را ثابت می کند، پس ما را از بحث در رجال تک تک طرق ها آن بی نیاز می کند. (گرچند برای اتقان این مسئله باز هم مدارکی را از تحسین و تصحیح بعض اسناد ارائه خواهیم داد).

۴۷. المستدرک علی الصحیحین، الحاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۵۲

۴۸. تاریخ الخلفاء ص ۲۹۱

۴۹. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، عبد الرحمن بن ابی بکر السیوطی، ج ۱ ص ۱۶۰

۵۰. الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، ابن حجر الهیتمی ج ۲ ص ۵۱۷

تواتر حدیث النظر در نگاه علمای اهل سنت

کیفیت تواتر بر این منوال است که اگر کثرت در طرق مخبرین حاصل آید به طوری که توافق ایشان بر کذب ممتنع باشد افاده یقین بمعنی الاعم می کند که موجب تصدیق مخبرین و قبول خبر ایشان و ترتب اثر حسب خبر می باشد. برخی از علمای اهل سنت تصریح کرده اند که این روایت متواتر است و روایت متواتر حتی اگر جمیع طرقش دارای خدشه و ضعف باشد باعتبار بعضها یقوی بعضها اعتضاد میگردد روایت و به صورت کلی و جمع جمیع المصادیق لحاظ می شود که جنبه عمومیت افراد آن را دارد نه لحاظ فردی به هر روایت مجزی از سایر روایات.

محمد بن جعفر کتانی؛

محمد بن جعفر کتانی (م ۱۳۴۵ هـ) از علمای قرن چهاردهم اهل سنت می نویسد:

(ومنها) حدیث النظر إلى علی عبادة ورد من رواية أحد عشر صحابيا بعدة طرق قال السيوطي في التعقبات وتلك عدة التواتر في رأي جماعة.^{۵۱}

حدیث «النظر الى وجه علی عبادة» از طریق یازده صحابه نقل شده با طرق مختلفی و سیوطی بعد از نقل آن می نویسد: این تعداد از طرق نقل شده همان تعداد تواتر است در نظر جماعتی از علمای رجال.

محمد ناصر البانی؛

محمد ناصر البانی (م ۱۴۲۰ هـ) از علمای بزرگ معاصر اهل سنت تصریح می کند بر اینکه در روایات متواتره «سلامة الحدیث من الامراض السندیة» شرط نیست، بلکه ثبوت صحت الحدیث در صورت تواتر به دلیل کثرت ثابت است و به مجموع آن نظر می شود در جایی طرق اخبار به نحوی کثرت پیدا کند که تبانی و توافق مخبرین بر کذب محال باشد که مفید اطمینان و حالت یقین برای مخبر (خبر داده شده) می باشد که از جمله راه های کسب حجت است که حکم مترتب بر پذیرش خبر و سکون قلب حاصل از ظن متآخم به علم است. «ولا يشترط في الحدیث المتواتر سلامة طرقة من الضعف لأن ثبوته إنما هو بمجموعها، لا بالفرد منها».^{۵۲}

۵۱ . نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ابو عبد الله محمد بن جعفر الکتانی ج ۱، ص ۲۴۳

۵۲ . إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، محمد ناصر البانی ج ۶ ص ۹۵

در حدیث متواتر، سالم بودن طرق آن از ضعف، شرط نیست؛ چرا که اثبات روایت با نظر به مجموع طرق آن است، نه با نظر به تک تک طرق.

جلال الدین سیوطی؛

جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱هـ) عالم نامدار اهل سنت با دیدن یازده طریق از طرق روایت «النظر الی وجه علی عبادة» تصریح می کند، این روایت متواتر است. چنانچه علامه مناوی در فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر بعد از نقل این روایت می گوید: «وتعقبه المصنف وغيره بأنه ورد من رواية أحد عشر صحابيا بعدة طرق وتلك عدة التواتر عند قوم».^{۵۳}

یعنی مصنف (سیوطی) و دیگران به دنبال این روایت گفته اند: این روایت از یازده نفر از اصحاب با طرق مختلف نقل شده است، و این تعداد از دیدگاه عده ای متواتر محسوب می شود.

همچنین سیوطی در تعقیبات خود بر موضوعات ابن الجوزی متذکر تواتر این روایت می شود که از یازده صحابی نقل شده است و جای شبهه در قبول این خبر نیست.

«وهذا ورد من رواية أحد عشر صحابيا بعدة طرق وتلك عدة التواتر في رأي جماعة».^{۵۴}

وقتی سیوطی و دیگران با دیدن یازده سند از اسناد «النظر الی وجه علی عبادة» حکم به تواتر کرده اند، در حالی که این روایت از هجده نفر از اصحاب با سندهای متعدد نقل شده است پس بنابراین هیچ تردیدی در متواتر بودن و صحت آن نیست.

بر این مطلب اضافه نمایید که ابن حزم اندلسی (م ۴۵۶هـ)، حتی روایتی را که تنها چهار سند دارد متواتر دانسته است.^{۵۵}

البته در حد تواتر کیفیت ملاک نیست صرف تحصیل جمع در طرق و کثرت آن به نحوی که افاده علم نماید و توافق بر کذب غیر ممکن باشد کفایت می کند و اگر چه به اقل جمع مثلاً سه نفر برسد. زیرا ملاک اصلی تحقق تواتر بعد

۵۳ . فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، محمد عبد الرؤوف بن علی بن زین العابدین المناوی ج ۶ ص ۲۲۹

۵۴ . النکت البدیعات علی الموضوعات، لسیوطی ص ۳۴۱

۵۵ . فَهَؤُلَاءِ أَرْبَعَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَهَؤُلَاءِ نَقَلَ تَوَاتُرًا وَلَا يَجُزُّ مَخَالَفَتُهُ. المحلى، ابو محمد علي بن أحمد بن سعيد ابن حزم الأندلسي الظاهري، ج ۹ ص ۷

الکثره، کمیت نیست لذا اقل الکثره هم می تواند اقامه کننده معنی تواتر باشد که کیفیتست موجود در اخبار بعد از تحقق جمع در کمیت.

از آنچه در بحث تصحیح سند گذشت، باید توجه داشت تصحیحات سندیه حدیث در بعض اسناد وجود دارد و اینگونه نیست که جمیع اسناد این خبر ضعیف باشد.

البته این روایت شریف در مجامع شیعه هم حسب احصای مرحوم بحرانی در غایه المرام متواتر است و به ده طریق نقل گشته که در صحت آن جای شک و شبهه نمی گذارد که ما به جهت اینکه در مقام بررسی آن نیستیم از ذکر آن خودداری می نمایم.

علامه عبد العزیز الغماری که یکی از علمای اهل سنت است کتاب مستقلی راجع به حدیث بنام «الإفادة بحدیث النظر إلى علي عبادة» تحریر نموده در مباحث سندی بسیار پر فایده است.

نتیجه بخش اول

روایت شریف (النظر الی وجه علی عبادة) در مجامع روایی و تراث حدیثی شیعه و اهل سنت به صورت متواتر نقل شده است که ما در اینجا تنها مدارک عامه را آوردیم.

بخش دوم: بحث دلالت

سخن از عبادت بودن نگاه به صورت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اسرار و حکمت های بسیار دارد اما آنچه که به صورت مختصر علت آن را آشکار می سازد یاد آوری می نمایم.

مفهوم شناسی نظر

«نظر» به حسب حیثیت های مختلف و متعلقات گوناگون دارای ابعاد معانی متفاوتی است.

گاه اطلاق بر همین فعل جسمانی بشر می شود که به واسطه ی چشم ایجاد می شود.

و گاه به معنی فعل قلبی و نظر ادراکی است که مطلوب منطق و کلام و بحث های عقلی است (به معنی اندیشیدن و کسب معرفت نسبت به اطراف و جوانب اشیاء و امور همان تفکر که ترتیب امور ذهنی و حرکت از بین معلومات به سوی مجهولات است).

و گاهی نیز نظر متعلقش علم است و وصفی مستعمل برای آن که حملی بیانی برای حقیقت نوع علم دارد که در تقسیمی به نظری و ضروری منقسم است و ضروری آن علمی را گویند که ما حاصل و نتیجه تفکر است (تفاوت است بین مطلق التفکر و ما حاصل من التفکر) که در این بعد معلوم به سختی حاصل می گردد نه صرف التفات دفعی که در بدیهیات مطرح است بلکه بر خلافش به مرور حاصل می آید.

بیان اول علت عبادت بودن نگاه به صورت امیرمؤمنان علی علیه السلام

یک بُعد معنوی و مدلولی در این حدیث شریف ناظر به همان فعل جوارحی انسان است و با اعضای جسمانی بشر حاصل می شود. قوه ی بینایی یکی از حواس پنجگانه ی بشر است که به کمک از چشم انسان می تواند اشیاء را در خارج مشاهده نماید و دیدن و نظر کردن فعل ایست که از ناحیه بیننده و ناظر ایجاد می گردد. مخفی نیست بر ملتفت که افعال جوارحی بازتاب یافته فعل و انعقاد جوانحی بشر است یعنی افعال ما انسان ها تابع اغراض ماست آنچه که از ما صادر می گردد بحسب لحاظ منویات و معتقدات و انعقادات باطنیه انسان است. نگاه کردن هم که فعلی از افعال است خالی از اعتبار موضوع نیست یعنی نیت انسان است که جهت صدور

فعل را مشخص می‌سازند که بر شرّ منعقد شده یا بر خیر. آن نیتی که سبب شده است فعل در راستای آن در خارج محقق گردد و به وقوع بپیوندد ماهیت مصلحتی و مفسدتی آن را واضح می‌گرداند که به حسب همان حقیقت مصلحت یا مفسده حکمی از احکام بر آن حمل می‌گردد.

و این مساله روشن و واضح است، حکم مترتب بر مصلحت متباین است بر حکم مترتب بر مفسده لتضادهما و ما یترتب علیهما فهو متضاد.

لذا فعل نظر هم به جهت نیت و کیفیت نفسانی حائز احکام مختلفه می‌شود. یک بار دیدن از جهت رأفت و رحمت و مودت است و یکبار دیدن از جهت غضب و حقد و عصبیت و سایر اغراض خیر و شرّ می‌باشد. حالات باطنیه بشر من جمله کیفیات عارضه بر بشر هستند که به اسباب مختلفه در نفس تجلی می‌یابد و حاصل می‌آید مثلاً انسان به حسب خیری که از دیگری دیده به آن فرد حالت عطفوت و مهر دارد و از کسی که بدی دیده حالت خشم و غضب دارد، لذا این ساحت فکر و کیفیت نفسانی بشر است که آشکار می‌نماید جهت فعل صادر شده از او را. نگاه کردن هم تابع همین حکم یا من باب مودت است یا من باب عداوت.

طبق مقدمات بیان شده به این نتیجه می‌رسیم، نگاه به امیر مؤمنان علی علیه السلام در زمانی احتساب عبادت می‌شود که جهت ایجاد آن از جانب انسان جهت مصلحت و خیر باشد که حکم عبادت و در نتیجه ثواب بر آن حمل گردد.

آنچه که مطلوب و مورد مصلحت خداوند متعال است، قبول ولایت و پیروی نمودن از پیامبران و حجت‌های خویش است که به تبع این پیروی و تولّی حکم مترتب بر آن؛ یعنی محبت و مودت حمل می‌گردد. زیرا از لوازم قبول ولایت مودت نسبت به متبوع است که به ابلاغ رسالت در آیه ۲۳ شوری این مودت درخواست نبی الله صلی الله علیه و آله که همان مصلحت الهی است بیان شده است.

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۖ قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۗ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ^{۶۱}

این است چیزی که خدا آن را به بندگانش که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند مژده می‌دهد. بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی جز مودت نزدیکانم را [که بنابر روایات معتبر اهل بیت - علیهم السلام - هستند] نمی‌خواهم. و هر کس کار نیکی کند، بر نیکی‌اش می‌افزاییم؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و بخشنده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است.

این محبت به نص قرآن و روایات متواتره «لا یحبک الا مومن و لا یبغضک الا منافق» شرط ایمان و تدین به سبیل الهی است یعنی حالت باطنیه عباد نسبت به اهل بیت علیهم السلام باید حالتی همراه به خیر و رویت مصلحت باشد و اعتقاد قلبی ایشان باید به مودت اهل بیت علیهم السلام و وطن گیرد.

اکنون که «نگاه نمودن» یکی از افعال بشر است و نسبت به موارد خاصی از علت‌های قلبی و باطنی برانگیخته می‌شود پس حکم خیر و شر می‌یابد. «ان خیرا فخیرا و ان شرّ فشرّ» اگر نیت و توپین قلبی یک عزم خیر باشد فعل او هم به حسب نیت خیر است و اگر باطن نگاه‌کننده شرّ باشد فعل نیز شرّ است یعنی فعل در حکم، تابع اعتقاد قلب است که ثواب به عبادت یا عقاب به شقاوت بر آن حمل می‌گردد.

نگاه به صورت بی‌مثال خورشید فروزان امیرمؤمنان علی علیه السلام علیه السلام هم به همین حکم است که اگر نظر به وجه او از مناشی خیر منبعث شود به حکم عبادت است زیرا در اعتقاد قلب متوجه و ملتفت شرط ایمان یعنی مودت است که رتبه اولی آن حبّ قلبی و رتبه دوم آن تبعیت عملی است یعنی یک فرد در نظرش با حالت و کیفیت نفسانیه رحمت و محبت به دلیل آنکه ممثّل امر الله یعنی کسب محبت می‌باشد و ایمان قلبی و معرفتی به ولی الله دارد به سبب منجر شدن این حکم به اطاعت دستور الهی در رتبه اولی برای او عبادت حساب می‌شود و بر نظرش ثواب مترتب می‌گردد. فلذا از حضرات معصومین علیهم السلام روایت شده است: «الایمانُ معرفةٌ بالقلبِ و اقرارٌ باللسانِ و عملٌ بالأركان».

مرحله اول ایمان معرفت قلبی است، یعنی شناخت به واسطه امر یقینی در ساحت عقلانیت و تفکر که حاکم بر ارکان وجودیه بشر می‌شود و یقین او به آن متیقن تعلق پیدا می‌کند. نظر به همراه محبت به صورت امیرمؤمنان علی علیه السلام هم اقامه‌کننده شرط اول ایمان است و چون به مطلوب حضرت حق برگشت دارد، پس در مقام اطاعت امر الهی است البته در بعد معرفت است و عمل او عین عبادت و به تبع آن ثواب است. اما اگر نگاه از چشمه‌های ظلمانی کفر و نفاق و غضب نشأت گیرد چیزی جز شقاوت و عقاب را در پی ندارد؛

مانند نگاه غضب آلود عایشه و ابن ملجم به سلطان سریر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام که فقط بیانگر کفر است و عقاب در پی دارد به خلاف نگاه آکنده از حبّ و مودت سلمان ها و ابوذر ها و مقداد ها. اینجاست که روشن می شود، نگاه چشم خبر می دهد از سرّ درون پس اگر نگاه و نظر مشیر به مصلحت بود عبادت محسوب می شود و اگر دال بر مفسده و شقاوت باشد معصیت شمرده می شود.

و در روایات فراوان تفسیری که از معصومین علیهم السلام ذیل آیه ی «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا»^{۵۷} وارد شده، آمده است: دین حنیف یعنی ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام.

عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»، قال: التوحيد، و محمد رسول الله، و علي أمير المؤمنين صلى الله عليهما و آلهما.^{۵۸}

عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا»، قال: هي الولاية.^{۵۹}

ولایت مفهوم ذات الاضافه (بین الاثنین) است که حکم معقول در رابطه ی بین دو شخص ولی و مولی علیه است. یعنی ولایت در ناحیه علو و دنو مصداق می خواهد که عالی ولی است و دانی مولی علیه. پس ولیّ مورد و مصداق الولاية است از ناحیه علو و امیر المؤمنین علیه السلام همان ولی الله است که در روایات متواتره گفته شده [ياعلی انت ولی کل مومن].

حال ولایت ولی الله یعنی امیر المؤمنین علیه السلام مورد اقامه نظر و اقبال است و این همان مصلحت مطلوبه خداوند متعال است که امتثال آن عبادت است.

بیان دوم علت عبادت بودن نگاه به صورت امیر مؤمنان علی علیه السلام

در این بیان با مثالی دلیل اولویت عبادت را به صورت قیاس موافق استنباط می کنیم.

۵۷ . فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۖ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.

پس [با توجه به بی پایه بودن شرک] حق گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [و پابرجا و ثابت بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش برای آفرینش خدا هیچ گونه تغییر و تبدیلی نیست؛ این است دین استوار؛ ولی بیشتر مردم معرفت [به این حقیقت اصیل] ندارند. سوره رم ۳۰

۵۸ . تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۵۴

۵۹ . بحار الأنوار، ج ۳، ص ۲۷۷ / تأویل الآيات الظاهرة، ص ۴۲۷ / القمی، ج ۲، ص ۱۵۴ / نورالثقلین / البرهان

خداوند عز و جل حتی بعض افعال غیر اختیاریه را هم جعل به عبادت کرده است مانند خواب روزه داری یا خواب عالم یا نفس کشیدن آنها که در روایات فریقین متواترا ثابت شده است. یعنی حتی حالت خوابیدن که فعلی غیر اختیاریست و ما در حالت لایشرعی به سر می بریم عمل ما عبادت محسوب می شود و ثواب دارد.

به طریق اولی فعل اختیاری نظر هم می تواند حیثیت عبادت پیدا کند، البته به جعل و قرار داد الهی یعنی خداوند فقط افعال خاصه مانند نماز و روزه را به عبادت جعل نکرده بلکه این افعال هم من جمله عبادات هستند. یعنی نگاه به صورت مولی الموحدین امیر المؤمنین علیه السلام در احتساب به عبادت نفسیت پیدا می کند که خود بذاته مجعول مصلحت خداوند منان بر عبادت است. البته این عمل هم مشروط است به داشتن اعتقاد و ایمان صحیح است که از آن تعبیر به (عارفا بحقهم) می شود.

بیان سوم علت عبادت بودن نگاه به صورت امیر مؤمنان علی علیه السلام

تشبیه به کعبه شاید برای برخی ها جای استغراب و شگفتی باشد که چگونه می شود نگاه کردن به صورت امیر مؤمنان علی علیه السلام عبادت باشد و در امکان آن تشکیک کنند. لذا برای واضح تر شدن امر و محسوس و ملموس شدن آن پیامبر صلی الله علیه و آله مثالی می زنند تا این توهم غریب بودن برطرف شود و آن تشبیه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به خانه خداوند است.

در روایات فراوانی که از طرف عامه و خاصه وارد شده است به این نکته تاکید شده است و ما از باب نمونه به چندین مورد اشاره می کنیم که تحقیق در مورد این روایت نیز مجال دیگری می طلبد.

- وعن علي عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله : يا علي : إنما انت بمنزلة الكعبة تؤتى ولا تأتي ، فإن

أتاك هؤلاء القوم فمكنوا لك هذا الأمر فأقبله منهم ، وأن لم يأتوك فلا تأتهم.^{۱۰}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: یا علی همانا تو به منزله کعبه هستی که می بایست مردم به سوی تو بیایند، نه اینکه تو به سوی آنها بروی. اگر مردم به سوی تو آمدند و این

^{۱۰} . فردوس الأخبار بمأثور الخطاب المخرج علی کتاب الشهاب، شیرویه بن شهردار بن شیرویه الدیلمی ج ۵ ص ۴۰۶

امر را برای تو آماده کردند تو نیز آن را بپذیر و بر آنها حکومت کن و اگر به سوی تو نیامدند تو به سوی آن ها
نرو.

- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي أنت بمنزلة الكعبة.^{٦١}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: یا علی تو به منزله کعبه
هستی.

- عن أبي ذر قال، قال رسول الله صلى الله عليه وآله مثل علي فيكم أو قال في هذه الأمة كمثل الكعبة المستورة
النظر إليها عبادة والحج إليها فريضة.^{٦٢}

ابوذر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مثل علی بن ابی طالب علیه السلام در میان
شما (یا مثل علی بن ابی طالب علیه السلام در میان امت) مثل کعبه پوشیده می باشد، نگاه به سوی آن عبادت
و قصد نمودن آن واجب الهی است.

- عن رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي أنت بمنزلة الكعبة.^{٦٣}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی تو به منزله کعبه هستی.

- أَنبَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْقَاهِرِ، أَنبَأَنَا أَبُو غَالِبٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْبَاقِلَانِيُّ، إِجَازَةً، أَنبَأَنَا أَبُو عَلِيٍّ بْنُ
شَادَانَ، أَنبَأَنَا عَبْدُ الْبَاقِيِّ بْنُ قَانِعٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْغَلَابِيُّ، حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ بَكَّارٍ، عَنْ شَرِيكِ، عَنْ
سَلَمَةَ، عَنِ الصُّنَابِحِيِّ، عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وآله] وَأَنْتَ بِمَنْزِلَةِ الْكَعْبَةِ، تُؤْتَى،
وَلَا تَأْتِي.^{٦٤}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی تو به منزله کعبه می باشی که می بایست مردم به سوی تو
بیایند، نه اینکه تو به سوی آنها بروی.

قوله عليه [وعلى] السلام: مثل علي في هذه الأمة كمثل الكعبة...

٦١ . كنوز الحقائق في حديث خير الخلائق، لمانوى ص ٢٠٣

٦٢ . تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر ج ٤٢ ص ٣٥٦

٦٣ . ينابيع المودة لذوي القربى، سليمان بن ابراهيم القندوزي ج ٢ ص ٨٥

٦٤ . اسد الغابه، عز الدين ابن الأثير ج ٤ ص ١٠٢

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مثل علی در میان امت مثال کعبه می باشد.

- أخبرنا أبو غالب محمد بن أحمد بن سهل النحويّ إذنا: أن أبا طاهر إبراهيم بن محمد بن عمر بن يحيى العلويّ حدّثهم قال: أخبرنا أبو الفضل محمد بن عبد الله بن محمد بن عبيد الله بن المطّلب الشيبانيّ، حدّثنا محمد بن محمود ابن بنت الأشجّ الكنديّ الكوفيّ-نزىل أسوان سنة ثمانى عشرة و ثلاثائة حدّثنا محمد بن عنيس بن هشام الناشرىّ، حدّثنا إسحاق بن يزيد، حدّثني عبد المؤمن بن القاسم عن صالح بن ميثم، عن يريم بن العلا، عن أبي ذرّ، قال: قال رسول الله صلّى الله عليه و آله: مثل عليّ فيكم -أو قال في هذه الأمة- كمثل الكعبة المستورة-أو المشهورة-النظر إليها عبادة و الحجّ إليها فريضة.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مثل علی در میان امت مثال کعبه پوشیده (یا مشهور) می باشد. نگاه به سوى او عبادت شمرده می شود و قصد به سوى او واجب الهی است.

- قال محمد بن عبد الله بن المطّلب: ذاکرت به أبا العباس بن عقدة الحافظ فاستحسنه و قال لي: يريم بن العلا يکنى أبا العلاء حدّث عن أبي ذرّ و قيس بن سعد، شهد مع عليّ مشاهده ثمّ مات في حبس الحجاج، حدّث عنه أبو إسحاق و عمران و صالح بنو ميثم.^{٦٥}

- خمس من العبادة: النظر إلى المصحف و النظر إلى الكعبة و النظر إلى الوالدين و النظر في زمزم.^{٦٦}

پنج مورد از عبادت شمرده می شود: نگاه به قرآن. نگاه به کعبه. نگاه به پدر و مادر. نگاه به چشمه زمزم.

- خمس من العبادة قلة الطعم و القعود في المساجد و النظر إلى الكعبة و النظر في المصحف من غير أن يقرأه.^{٦٧}

پنج مورد از عبادت شمرده می شود: کم طعام خوردن. نشستن در مسجد ها. نگاه به سوى کعبه. نگاه به قرآن بدون اینکه آن را بخواند.

- ابن أبي داود عن عائشة: النظر إلى الكعبة عبادة، و النظر إلى وجه الوالدين عبادة، و النظر في كتاب الله عبادة.^{٦٨}

٦٥ . مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، ابن المغازلي ج ١ ص ١٣٣

٦٦ . الجامع الصغير، جلال الدين السيوطي ج ١ ص ٦١٤

٦٧ . الفردوس بمأثور الخطاب، الدبليمي ج ٢ ص ١٩٥

٦٨ . كنز العمال، المتقي الهندي ج ١٢ ص ٢١٢ ح ٣٤٧١٤

نگاه به سوی کعبه عبادت است و نگاه به صورت پدر و مادر عبادت است و نگاهی در کتاب خدا قرآن کریم عبادت است.

- أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ، أَخْبَرَنِي أَبُو عَيِّ الْحَافِظُ، أَنَا أَبُو يَعْلَى أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُوصِلِيُّ، نَا أَبُو يَاسِرٍ عَمَّارُ الْمُسْتَمَلِيُّ، نَا سَعِيدُ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُجَّادَةَ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ مُصَرِّفٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: النَّظْرُ إِلَى الْوَالِدِ عِبَادَةٌ، وَالنَّظْرُ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ، وَالنَّظْرُ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ، وَالنَّظْرُ إِلَى أَخِيكَ حُبًّا لَهُ فِي اللَّهِ عِبَادَةٌ.^{٦٩}

نگاه به پدر عبادت است و نگاه به کعبه عبادت است و نگاه به قرآن عبادت است و نگاه به برادر مومن از روی محبت برای خداوند، عبادت است.

تا اینجا تواتر عبادت بودن نظر به کعبه ثابت گشت که به اسانید مختلف و مضامین متفاوت اخبار دال بر این موضوع است.

عبادت بودن نظر به کعبه برای اصحاب امری در غایت وضوح و از امور بدیهی است. لذا برای فهم عبادت بودن نظر به وجه تمثیل به کعبه شد که عبادت بودن نظر به آن برای اصحاب آشکار است.

عن أبي ذر قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم مثل علي فيكم أو قال في هذه الأمة كمثل الكعبة المستورة النظر إليها عبادة والحج إليها فريضة.^{٧٠}

ابوذر غفاری می گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: علی بن ابیطالب علیه السلام در میان شما (یا این که فرمودند در میان امت) مثل کعبه پوشیده است، نگاه به سوی او عبادت و قصد به سوی او واجب الهی است.

هر چند در بخش اول تواتر روایت عبادت بودن نظر به امیر المؤمنین علیه السلام ثابت گشت، دیگر بعید بودن وجه تعلیل و تشبیه این امر (غرض دفع استغراب از عبادت بودن نظر زیرا شاید این توهم پیش آید که عبادت فقط افعال خاصه و مرکبات اعتباریه است) پیامبر صلی الله علیه و آله تمثیل می کنند امام را به کعبه که چگونه نظر به کعبه عبادت است همچنین نظر به صورت مبارک امیر المؤمنین علیه السلام هم عبادت است.

٦٩ . شعب الإیمان، أبو بكر البيهقي ج ١٠ ص ٢٦٧

٧٠ . تاريخ مدينة دمشق، ابن عساکر ج ٤٢ ص ٣٥٦

لازم به توضیح است که عبادت بودن نظر به کعبه هم تواتر دارد همانند عبادت بودن نظر به مولی علیه السلام و روایت تشبیه امیر مؤمنان علی علیه السلام به کعبه حد وسط و تمثیل مولی به کعبه است که عبادت بودن نظر هر دو ثابت است.

اما چنانچه در ابتدای مقاله یاد آور شدیم ابن تیمیه حرانی (م ۷۲۸ه) از جمله منکران حدیث شریف «النظر الی وجه علی عباده» است اما خود او معتقد است که تعدد طرق باعث تقویت روایات می باشد ابن تیمیه معتقد است اگر يك روایت طرق متعددی داشته باشد همدیگر را تقویت می کنند و آن روایت مورد قبول است و گاه علم به صدور آن حاصل می شود هر چند روایان آن فاسق و فاجر هم باشند.

فإن تعدد الطرق و کثرتها یقوی بعضها بعضا حتی قد یحصل العلم بها و لو کان الناقلون فجارا فساقا فكيف إذا كانوا علماء عدولا.^{۷۱}

دلالت حدیث نظر، بر امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام

این فضیلت بزرگ تنها راجع به امیر مؤمنان علی علیه السلام بیان شده است و در خصوص فرد دیگری چنین مطلبی نداریم، چنانچه بزرگان عامه نیز بر این ادعا صحه گذاشته اند.

تنها امیر المؤمنین علیه السلام این فضیلت را داراست:

ابن شاهین (م ۳۸۵ه) از علمای اهل سنت بعد از نقل حدیث شریف (النظر الی وجه علی عباده) می گوید:

این فضیلت، فضیلتی است که هیچ فردی در آن با حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام مشارکت ندارد بلکه خاص حضرت می باشد و ایشان در این ویژگی منحصر به فرد است.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حُمَيْدِ بْنِ الرَّبِيعِ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ بْنِ عْتَبَةَ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَالِمِ الْقَرَّازِ، ثنا يَحْيَى بْنُ عِيسَى الرَّمْثِيُّ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ: (النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ) تَقَرَّدَ عَلِيُّ هَذِهِ الْفَضِيلَةَ، لَمْ يَشْرَكْ فِيهَا أَحَدٌ.^{۷۲}

۷۱ . کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، أبو العباس أحمد عبد الحلیم ابن تیمیه الحرانی الحنبلی ج ۱۸ ص ۲۶

۷۲ . شرح مذاهب أهل السنة، ابن شاهین ج ۱ ص ۱۴۵

از این مطلب به افضلیت امیرمؤمنان علی علیه السلام بر دیگران پی می بریم. و امامت شخص افضل و برتر امری عقلی است که مورد تایید کتاب و سنت نیز است که در جای خود مفصلاً ادله بیان شده است. برای اطلاع بیشتر از قاعده ی افضلیت به کتاب جواهر کلام فی معرفه الامامه و الامام جلد ۹ از ص ۲۵ تا ۵۲ تالیف حضرت آیت الله سید علی میلانی دام عزه مراجعه نمایید. پس بنابراین، ثبت ولایة علی بن ابی طالب علیه السلام.

نتیجه بخش دوم

در بخش دوم بعد از معنا شناسی نظر و توضیح عبادت، وجوه مختلفی از عبادت بودن نگاه به صورت امیرمؤمنان علی علیه السلام بیان شد و روایات نظیر آن نیز از منابع عامه بحث شد تا هر گونه استبعاد معاندان را دفع نماییم و در پایان با توجه به قاعده ی امامت افضل، امامت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را طبق حدیث «النظر الی وجه علی عباد» نتیجه گرفتیم.

نتیجه مقاله

این مقاله در دو بخش مجزا به بررسی حدیث «النظر الی وجه علی عبادة» پرداخته است. اما در بخش اول این روایت شریف را از ۱۸ نفر از صحاب با ۱۸ سند متفاوت نقل نمودیم که در مجامع روایی اهل سنت به صورت متواتر نقل شده است. که برخی از علمای عامه نیز شهادت به صحت سند برخی از آنها داده بودند پس صدور این حدیث ثابت است.

اما در بخش دوم بحث معنا شناسی نظر و توضیحی راجع به ملاک عبودیت امور بیان شد، سپس وجوه مختلفی از عبادت بودن نگاه به صورت امیر مؤمنان علی علیه السلام توضیح داد شد و روایات نظیر آن نیز از منابع عامه ذکر شد تا هر گونه استبعاد دشمنان را دفع نماییم.

و در پایان نیز با توجه به قاعده ی امامت افضل، امامت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را طبق حدیث «النظر الی وجه علی عباده» نتیجه گرفتیم.

فهرست منابع:

- قرآن كريم
- الإستيعاب في معرفة الأصحاب، ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله، متوفى ٤٦٣ هجرى قمرى، دار الكتب العلمية، محقق: شيخ على محمد معوض و شيخ عادل احمد عبدالموجود، چاپ اول، ١٤١٥ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- أسد الغابة في معرفة الصحابة، ابن اثير جزرى، على بن محمد، متوفى ٦٣٠ هجرى قمرى، دار الكتب العلمية، چاپ سوم، ١٤٢٩ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- الافاده بطرق حديث النظر الى وجه على عباده، المغازى المغربى، جمال الدين عبدالعزيز (متوفى ١٤١٨ هجرى قمرى) تصحيح سيد حسن الحسينى الشيرازى، اصدار وحدة النشر الثقافى، كربلا، عراق.
- أنساب الأشراف، بلاذرى، احمد بن يحيى، متوفى ٢٧٩ هجرى قمرى، دار الفكر، محقق: دكتور سهيل زكار و دكتور رياض زركللى، چاپ اول، ١٤١٧ هجرى قمرى، بيروت، لبنان .
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، علامه مجلسى، محمد باقر، متوفى ١١١١ هجرى قمرى، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ١٤٠٣ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- البداية و النهاية، ابن كثير، اسماعيل بن عمر، متوفى ٧٧٤ هجرى قمرى، دار الكتب العلمية، محقق: احمد أبو ملحم، على نجيب عطوى، فؤاد سيد، مهدى ناصر الدين و على عبد الساتر، چاپ پنجم، ١٤٠٩ هجرى قمرى، بيروت، لبنان .
- الإصابة في تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، متوفى ٨٥٢ هجرى قمرى، دار الكتب العلمية، چاپ چهارم، ٢٠١٠ ميلادى، بيروت، لبنان.
- تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، ذهبى، محمد بن احمد، متوفى ٧٤٨ هجرى قمرى، دار الكتاب العربى، محقق: دكتور عمر عبد السلام تدمري، بيروت، لبنان.
- تاريخ بغداد أو مدينة السلام، خطيب بغدادى، احمد بن على، متوفى ٢٦٣ هجرى قمرى، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان.

- تاريخ الخلفاء، سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، متوفى ٩١١ هجرى قمرى، محقق دكتور محمد كمال الدين، عالم الكتب، چاپ اول، ١٢٢٣ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- تاريخ دمشق الكبير، ابن عساكر، على بن حسن، متوفى ٥٧١ هجرى قمرى، دار إحياء التراث العربى، محقق: على عاشور الجنوبي، چاپ اول، ١٤٢١ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- تذكرة الحفاظ، ذهبى، محمد بن احمد، متوفى ٧٤٨ هجرى قمرى، دار الكتب العلمية محقق: شيخ زكريا عميرات، چاپ دوم، ١٤٢٨ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- الجامع الصغير من أحاديث البشير النذير، السيوطى جلال الدين، الطبعة 305 علوم الحديث، محرم جمادى الثانية 1419 هـ العدد 3 الرابعة، ط الباي الحلبي بمصر سنة 1373 هـ.
- جواهر الكلام فى معرفه الامامه و الامام (مجلد ٩) ميلانى، سيد على، قم، انتشارات الحقائق، ١٣٩٥ هـ ش
- حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، أبو نعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، متوفى ٤٣٠ هجرى قمرى، دارالفكر، ١٤١٦ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- خصائص أمير المؤمنين عليه السلام، نسائي، احمد بن شعيب، متوفى ٣٠٣ هجرى قمرى، مكتبة نينوى الحديثية، محقق: محمد هادى امينى، تهران، ايران. ١٣٠٤
- الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، متوفى ٩١١ هجرى قمرى، دار إحياء التراث العربى، چاپ اول، ١٤٢١ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- دلائل الصدق لنهج الحق، شيخ محمد حسين مظفر، متوفى ١٣٧٥ هجرى قمرى، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ١٤٢٢ هجرى قمرى، قم، ايران.
- الصواعق المحرقة فى الرد على أهل البدع والزندقة، ابن حجر هيثمى مكى، متوفى ٩٧٤ هجرى قمرى، محقق: عبدالوهاب عبداللطيف، مكتبة القاهرة، القاهرة، مصر.
- العقد الفريد، ابن عبد ربه اندلسى، احمد بن محمد، متوفى ٣٢٨ هجرى قمرى، دار الكتاب العربى، چاپ سوم، ١٣٨٤ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- فرائد السمطين فى فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الائمة من ذريتهم، جوينى ابراهيم بن محمد، متوفى ٧٣٠ هجرى قمرى، دار الحسيب، محقق: محمد باقر محمودى، چاپ اول، ١٤٣٨ هجرى قمرى، قم، ايران.

- فيض القدير شرح الجامع الصغير من أحاديث البشير النذير، مناوى، محمد عبدالرؤوف، متوفى ١٠٣١ هجرى قمرى، محقق: احمد عبدالسلام، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٥ هجرى قمرى، بيروت، لبنان .
- الكافى، كلينى، محمد بن يعقوب، متوفى ٣٢٨ يا ٣٢٩ هجرى قمرى، دار الكتب الإسلامية، محقق: على اكبر غفارى، ١٣٩١ هجرى قمرى، تهران، ايران.
- كفاية الطالب في مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، گنجى، محمد بن يوسف، متوفى ٦٥٨ هجرى قمرى، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، محقق: شيخ محمد كاظم محمودى، چاپ اول ١٤٢٢ هجرى قمرى، قم، ايران.
- كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، متقى وفى ٩٧٥ هجرى قمرى، مؤسسة الرسالة، محقق شيخ بكرى حساني و شيخ صفوه السقا، چاپ پنجم، ١٤٠٥ هجرى الرسالة، بيروت، لبنان.
- غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام، السيد هاشم بن إسماعيل البحراني (م ١١٠٧ ق)، تحقيق: السيد على عاشور، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي، ١٤٢٢ ق. التراث الإسلامي، السيد عبدالعزيز ق.
- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هيثمى، على بن ابى بكر، وفى ٨٠٧ هجرى قمرى دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- المحلى، ابن حزم، على بن احمد، متوفى ٤٥٦ هجرى قمرى، دار الآفاق الجديدة، تحقيق: لجنة إحياء التراث العربي، بيروت، لبنان.
- المستدرک على الصحيحين، حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، متوفى ٤٠٥ قمرى دار الكتب العلمية، محقق: مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ دوم، ١٤٢٢ قمرى، بيروت، لبنان.
- مجموعة الفتاوى ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم، متوفى ٧٢٨ هجرى قمرى، محقق عامر جزار و انور باز، مؤسسه دار الوفا، چاپ دوم، ١٤٢١ هجرى قمرى.
- المعجم الصغير، طبرانى، سليمان بن احمد، متوفى ٣٦٠ هجرى قمرى، دار الفكر: عبدالرحمن محمد عثمان، چاپ دوم، ١٤٠١ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- المعجم الكبير، طبرانى، سليمان بن احمد، متوفى ٣٦٠ هجرى قمرى، دار إحياء التراث العربي، محقق: حمدى عبدالمجيد السلفى، چاپ دوم، بى تا، بى جا.

- معرفة الصحابة، ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، متوفى ٤٣٠ هجرى قمرى، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٢ هجرى قمرى، بيروت، لبنان .
- المناقب، خوارزمى، موفق بن احمد، متوفى ٥٦٨ هجرى قمرى، محقق: شيخ مالك محمودى، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ پنجم، ١٤٢٥ هجرى قمرى، قم، ايران.
- مناقب علي بن ابي طالب، ابن مغازلى، على بن محمد، متوفى ٢٨٣ هجرى قمرى، المكتبة الإسلامية، چاپ دوم، ١٤٠٢ هجرى قمرى، تهران، ايران.
- منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية، ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، متوفى ٧٢٨ هجرى قمرى، محقق: دكتور محمد رشاد سالم، مؤسسه الريان، ١٤٢٤ هجرى قمرى، بيروت، لبنان .
- الموضوعات، ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، متوفى ٥٩٧ هجرى قمرى، دارالفكر، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، چاپ دوم، ١٤٠٣ هجرى قمرى، بيروت، لبنان.
- ميزان الاعتدال في نقد الرجال، ذهبى، محمد بن احمد، متوفى ٧٤٨ هجرى قمرى، دارالفكر، محقق: على محمد البجاوي، بي تا، بيروت، لبنان.
- ينابيع المودة لذوي القربى، قندوزى، سليمان بن ابراهيم، متوفى ١٢٩٤ هجرى قمرى، دار الأسوة، محقق: سيد على جمال أشرف الحسيني، چاپ دوم ١٤٢٢ هجرى قمرى، قم، ايران.